



هدایتی، مهنوش (۱۳۹۷). باز تعریف دوستی، در حلقه‌های کندوکاو فلسفی.

DOI: 10.22067/fedu.v8i1.68972

پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۸(۱)، ۴۲-۲۱.

باز تعریف دوستی، در حلقه‌های کندوکاو فلسفی

مهنوش هدایتی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر پدیده دوستی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی اجتماعی انسان به‌ویژه در دوران مدرسه، بر پیشرفت معرفتی کودکان و نوجوانان در حلقه‌های کندوکاو فلسفی است. برای دستیابی به این هدف از روش تحلیل و تفسیر متون و استنتاج منطقی بهره گرفته شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که گفتگوی جمعی نقاد و خلاق در «حلقه‌های کندوکاو فلسفی» همواره با دو دغدغه همراه است: نخست، در صورت مشارکت در گفتگوی انتقادی احتمال تخریب و تکدر دوستی میان هم-کلاسان وجود دارد. دومین نگرانی، رکود پیشرفت معرفت‌شناختی در حلقه‌های کندوکاو به دلیل عدم مشارکت دوستان صمیمی در فرایند نقد و تولید ایده‌های بدیع در حین گفتگو و پیروی از آرای افراد قوی‌تر در کلاس می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد، همان‌گونه که این جنبش‌های تأملی نیازمند تغییر و تحولاتی در ساخت-افزارهای نظام تعلیم و تربیت سنتی هستند، می‌بایست در حوزه نرم‌افزاری تعلیم و تربیت از جمله مفهوم دوستی، تعریف جدیدی ارائه دهند. پرورش تفکر مراقبتی در کنار دو مهارت فکری نقاد و خلاق می‌تواند مفهوم دوستی را در ذهن کودکان به مثابه یک امر مراقبتی با تمام ویژگی‌های آن ارتقاء دهد. بر پایه نتایج به‌دست آمده می‌توان باز تعریف مفهوم دوستی از رابطه‌ای سطحی و مبتنی بر تائید را به رابطه‌ای مراقبتی، اندیشمندانه و رشد دهنده پیشنهاد داد.

واژه‌های کلیدی: دوستی، حلقه کندوکاو فلسفی، تفکر مراقبتی، دوستی مراقبتی.

مقدمه

توجه به رشد روانی اجتماعی کودکان یکی از عوامل توفیق برنامه‌ریزی آموزشی است. دوستی، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کلی سلامت فردی و اجتماعی، در طول دوران تحصیل از بنیادی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت کودکان و نوجوانان می‌باشد که اثراتی پایدار و ماندگار در شکل‌گیری شخصیت دارد (Leszczensky, Pink and Kalter, 2015, P. 21). رویکرد تربیت تأملی «فلسفه برای کودکان» (فبک) با بهره‌جویی از رویه‌های فلسفی مانند پرسشگری، گفت‌وگو، استدلال، طرح آرای بدیع، و نقد و تحلیل این آراء قصد دارد مهارت‌های سطح بالای شناختی - عاطفی را در کودکان پرورش دهد. این برنامه با تقویت قوای استدلال و منطق، و تشویق خلاقیت در افکار و عمل، در کنار توجه به ابعاد ارزشی و عاطفی عقلانیت، تلاش دارد جسارت در بیان ایده‌های شخصی و تحمل برای شنیدن ایده‌های متفاوت را بالا برده، و تفکر مستقل کودکان را در عین تفکر جمعی بهبود بخشد. لذا، در این برنامه بر تغییر فضای سنتی کلاس به حلقه‌های کندوکاو فلسفی^۱ تأکید می‌شود. ماهیت معرفتی این حلقه، اجتماعی و پژوهشی است، بدین معنا که معرفت امری بین‌الذهانی و حاصل کندوکاو و کاوشگری می‌باشد (Maraashi and Ghaedi, 2015, P.20). بنابراین، پیشرفت معرفتی اعضای حلقه در گرو آزمون ایده‌ها، طرح نظرات بدیع، توجه دقیق به ایده‌های دوستان و نقد مستدل آن‌ها، کشف زوایای مغفول پدیده‌ها، و انعطاف برای خود اصلاحی، و تعهد نسبت به رشد جمعی است. درک تحولات معرفتی حاصل از مشارکت در حلقه کندوکاو فلسفی تنها با مشاهده پیشرفت گفت‌وگو در کلاس قابل‌ردیابی است (Lipman and Sharp, 2015, P. 25). اما پیشرفت معرفتی چندان هم ساده نیست و با موانعی روبروست: یکی از مهم‌ترین این موانع، نگرانی دوستان از نقد و مخالفت با ایده‌های یکدیگر است. با توجه به ویژگی‌های خاص دوران مدرسه، به عنوان اولین و شاید مهم‌ترین تجربه زندگی اجتماعی مستقل، و نقش اساسی آن در تحول شناخت اجتماعی کودکان، که همواره با چالش‌هایی در خصوص تجربه حس نیاز به دوست‌یابی، دوست شدن و دوست ماندن همراه است، شُبّهاتی در خصوص تقویت یا تخریب دوستی‌ها در حلقه‌های کندوکاو فلسفی مطرح می‌شود. برخلاف بسیاری از فعالان فبک که دوستی را شرط پیشرفت معرفتی در حلقه کندوکاو می‌دانند (Badhar, 1993; Roumer, 1994)، برخی دیگر تأثیر دوستی در معنای رایج آن را در

۱. Community of Philosophical Inquiry این اصطلاح در ادبیات پژوهشی به زبان پارسی به عنوان اجتماع پژوهشی نیز ترجمه شده است، اما حلقه کندوکاو فلسفی عنوانی است که گروه فلسفه برای کودکان پژوهشگاه علوم انسانی پس از مطالعات و گفتگوهای علمی فراوان به عنوان جایگزین این اصطلاح انتخاب نموده است.

پیشرفت معرفتی دانش آموزان بسیار اندک، و حتی در مواردی مانع می‌پندارند (Davey, 2004b, P. 39). چراکه احتمال دارد مباحثه‌های نقاد یا طرح ایده‌های بدیع و خلاق، نوعی تعارض و مخالفت با دوستان تلقی شود و پیامدهای ناخوشایندی برای دانش آموزان در پی داشته، که سبب کناره‌گیری از مشارکت آنان در مباحثه‌های فلسفی به معنای واقعی شود. لذا هدف اصلی این مطالعه بررسی پیامد گفتگوی نقادانه کودکان در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بر روابط دوستانه و صمیمی آنها می‌باشد تا مشخص شود چنانچه کودکان مایل به حفظ روابط دوستانه خود باشند، یا نگران دلخوری، عدم حمایت و یا حتی رفتارهای پرخاشگرانه هم‌کلاسی‌های خود شوند، آیا بحث‌های نقاد آن‌چنان‌که مدنظر برنامه است، عمق و محتوا پیدا می‌کند؟ سپس با تعریف عمیق‌تر از مفهوم دوستی، راهی برای برون‌رفت از بن‌بست‌های عاطفی، که مانع تفکر منطقی و نقاد میان دوستان می‌شود، ارائه گردد.

ضرورت توجه به مفهوم دوستی

دوستی پدیده‌ای پیچیده و چندعاملی است که فرد در طول زندگی آن را با افراد مختلف تجربه می‌کند (DeSousa and Cerqueira-Santos, 2012, P. 325). محققان بسیاری مهم‌ترین تحول زندگی کودک، به‌ویژه از دوران دبستان را تمرکز بر مفهوم دوستی می‌دانند؛ چراکه در این مرحله کودکان به‌واقع احساس می‌کند به دیگران نیاز دارند و انتظار دارند که دوستشان نیازهای آنان را درک کرده و به آن پاسخ دهد، در برخی موارد نیز برای آنکه دوستی را کنار خود نگه‌دارند، حاضرند از تمام علایق خود بگذرند و به نیازهای دوست خود پاسخ گویند (Hartley-Brewer, 2009; Selman, 2007). در نوجوانی پدیده دوستی از این هم مهم‌تر می‌شود و دوست خوب، فردی حامی، قابل‌اعتماد و منبع اصلی صمیمیت تلقی می‌شود. البته تحول ملاک‌های انتخاب، تداوم و کیفیت دوستی در راستای تحول شناختی فرد به وقوع می‌پیوندد؛ هرچه ادراک شناختی فرد در سطوح بالاتر باشد، ملاک‌های ارزشمندتری برای دوستی تعیین می‌کند (Hejazi and Zohrevand, 2001, P. 18). به‌طور کلی، در دوران کودکی و نوجوانی دوستی سبب تقویت و بهبود مشارکت اجتماعی، همکاری و مدیریت تعارض‌ها می‌شود و می‌تواند سبب ایجاد روابط صمیمی، احساس تعهد، توفیق در چالش هویت‌یابی و شناخت خود و دیگری و کسب اعتماد به نفس شود (DeSousa and Cerqueira-Santos, 2012, P. 326). در دوران تحصیل، دانش آموزان به‌نوعی خود را با گروه دوستان در برابر تحقیر دوست‌داستانی بودن، و حتی محافظت از انواع قلدری فیزیکی یا عاطفی در فضای آموزشی مسلح می‌کنند و حتی در کلاس‌هایی که جو دوستانه بین شاگردان برقرار است، ظرفیت یادگیری بالاتری نیز به چشم می‌خورد (Johnston, 2006). به همین خاطر، دوستی را می‌توان یک منبع رشد

شناختی و عاطفی قلمداد نمود که در کنار سایر منابع، به کودکان و نوجوانان در حین فرایند عبور از تجربیات ناخوشایند کمک می‌کند (Adams, Santo and Bukowski, 2011).

با توجه به اهمیتی که پدیده دوستی در رشد فردی-اجتماعی و سلامت عاطفی-شناختی کودکان و نوجوانان دارد، هر رویکرد تربیتی که برنامه‌ای برای بهبود وضعیت تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد، نمی‌تواند از نقش کلیدی آن غافل باشد. در رویکرد تربیتی «فبک»، بر اساس نظریه ویگوتسکی، ارتباط میان دانش-آموزان، عنصری کلیدی در رشد فکری محسوب می‌شود. این موضوع را می‌توان در رویه آموزشی این برنامه که با عنوان «حلقه کندوکاو فلسفی» معروف است، به‌خوبی مشاهده نمود. لذا، در ادامه نخست ویژگی‌های این رویه تربیتی به‌اختصار تبیین می‌شود، تا بتوان نقش و جایگاه دوستی را در آن بررسی نمود.

حلقه کندوکاو فلسفی، اجتماعی هدایت‌شده، دارای ساختار باز، و مبتنی بر گفتگو است که به‌زعم لیپمن بهترین رویه برای پرورش مهارت‌های فکری سطح بالا در کودکان و نوجوانان می‌باشد (Kennedy, 2012, P. 36). حلقه کندوکاو فلسفی برگرفته از ایده فیلسوفانی مانند پیرس، دیویی و ویگوتسکی (Gutiérrez-Santiuste, Rodríguez-Sabiote and Gallego-Arrufat 2015, P. 349)، فضایی هدفمند است که در آن، فرایندی هدایت‌گرانه برای رشد فکری مبتنی بر پیشرفت استدلال‌ها جریان دارد. این فرایند، صرفاً یک بحث و گفتگوی ساده و رایج نیست بلکه یک فرایند دقیق گفت‌و شنود^۱ به شیوه فلسفی است، که هدفی رشدی را دنبال می‌کند (Lipman, 2003, PP. 84-90). حلقه کندوکاو فلسفی، همکاری و همیاری برای یادگیری مشارکتی را در میان کودکان تشویق کرده، و احساس مسئولیت نسبت به خود، دیگری، و به‌طور کلی جامعه را ارتقاء می‌بخشد. شرط لازم برای ظهور ایده‌های فلسفی و طرح ابهام‌های ژرف‌اندیشانه در این حلقه، باز بودن نسبت به تفاوت‌ها می‌باشد (kizel, 2017, P. 89). نتیجه مشارکت مستمر در چنین اجتماعی، پرورش تفکر نقاد، خلاق، مراقبتی، و مشارکتی از طریق تقویت منطق در کنار عواطف و ارزش‌ها، بهبود قدرت داوری معتبر و منصفانه، و برقراری روابط میان‌فردی بالنده است (Sharp, 2007, P. 255). حلقه کندوکاو در عین پرورش متفکران مستقل، نیازمند و مروج تفکر مشارکتی بوده، و افراد از طریق تمرین‌های متمادی درمی‌یابند که رشد فکری واقعی بدون حمایت سایر افکار صورت نخواهد گرفت، لذا رشد فردی در گرو رشد جمعی است (Gutiérrez-Santiuste et al., 2015, P. 351). در این بافت تربیتی، افراد گفتگوی معتبر، احترام به یکدیگر به عنوان یک شخص، رشد اعتماد متقابل و ظرفیت ارتباط در سطوح متنوع را تجربه می‌کنند (Sharp, 2014, P. 19). شرط بر این باور است که حلقه کندوکاو فلسفی

1. Dialogical

یک ابزار بسیار حیاتی و پارادایمی برای تعلیم و تربیت همدلانه میان دوستان است؛ چراکه تربیت همدلانه نیازمند تعاملات پژوهش محوری است که با میانجی‌گری دانش‌آموزان هدایت می‌شود (Schertz, 2006, P. 8). براین اساس حلقه کندوکاو فلسفی با احساس اشتیاق برای کندوکاو و میل وافر به کنکاش حقیقت به صورت مشارکتی آغاز می‌شود، و با اتخاذ دیدگاهی نقاد برای آزمون موضوع‌ها از زوایای متفاوت تداوم می‌یابد. لازمه پیشرفت معرفتی در این حلقه، بیان حقیقت از منظرهای مختلف، حتی به شکل اختلاف نظرهای مستدل می‌باشد. با وجود آنکه فضای حاکم بر حلقه کندوکاو، دوستی و همکاری میان دانش‌آموزان به جای رقابت است، اما گاه در خلال کار افراد آن‌چنان به شدت یکدیگر را به چالش می‌کشند که ممکن است منجر به برداشت‌های هیجانی شود (Radji, 2016, PP. 144-146). در نتیجه کودکان و نوجوانان توجه به ابهام‌های ذهنی و طرح پرسش یا ابراز نظر شخصی را با لذت جذب تائید معلم و دوستان معاوضه می‌کنند، و با اتخاذ رویه‌هایی مانند سکوت، توافق، کسب نمره خوب، رقابت، حافظه محوری و مواردی از این قبیل، قدرت تفکر نقاد و خلاق، و حتی حیرت فیلسوفانه خود را سرکوب می‌سازند (Hedayati, 2017a, P. 341).

بر اساس شواهد پژوهشی موجود، کودکان و نوجوانان جذب افرادی با ویژگی مشترک و مشابه می‌شوند، که بین آن‌ها روابط هماهنگ برقرار است، نه اختلاف نظر (Campell et al., 2015, P. 245)، لذا ممکن است گفت‌ووشوند فلسفی و پیشرفت معرفتی در حلقه‌های کندوکاو کلاسی، در صورتی که درست اجرا نشود، با مشکلاتی از جمله آسیب به روابط دوستانه یا کناره‌گیری از مشارکت در مباحثه‌ها مواجه گردد؛ چرا که بعید است تمام افراد گروه با یکدیگر، روی تمام موضوع‌ها، از جنبه‌های مختلف تفاهم و توافق داشته باشند.

مواع مشارکت دوستان در مباحثه‌های نقاد و خلاق

برای فلسفه ورزی شاید نیازی به تشکیل یک حلقه کندوکاو با تمام ویژگی‌های آن نباشد، اما بدون شک برای حصول توفیق و پیشرفت معرفتی در این حلقه‌های گفتگو محور، تمرکز بر ماهیت جمعی اندیشه-ورزی اهمیت وافر دارد، و بیشترین اهمیت آن در ساخت دانش به شکل مشارکتی و همیارانه از ابتدا است (Turgeon, 2012). به عبارت دیگر، شاید بتوان مهارت‌های فکری را به شیوه فردی آموزش داد، اما عامل تمایز و برتری حلقه کندوکاو از سایر رویه‌های آموزشی، باور به کاوشگری مشترک است، رویه‌ای که عزت نفس اعضای خود را ارتقا داده، و منجر به احساس هویت جمعی، هم‌افزایی هوشی، افزایش توان فهم مشترک، احترام متقابل، و افزایش گستره دامنه فکری می‌شود. در نتیجه مشارکت هم‌کلاسی‌ها یا به بیان دیگر دوستان در این حلقه، شرط ضروری تشکیل و تداوم آن است (Hedayati, 2017a, P. 349). اما چنانکه

پیش‌تر اشاره شد، ممکن است پیشرفت مباحثه‌ها به‌ویژه از حیث معرفت‌شناختی در این حلقه‌ها به خاطر تعریفی که از دوستی بین هم‌کلاسان رایج است، با مانع روبرو شود که در ادامه به برخی از این موانع اشاره می‌شود:

(۱) **دوستی به‌مثابه تائید و حمایت مطلق از یکدیگر:** متأسفانه دوستی‌های سطحی و رایجی که صرفاً مبتنی بر تائید و حمایت یکدیگر می‌باشد، عامل مخربی برای کندوکاو فلسفی است. چون کودکان در دوران دبستان کسانی را دوست تلقی می‌کنند که به آن‌ها کمک کرده و با آن‌ها علایق مشترک دارند، در مدرسه یا محله از آن‌ها حمایت، تائید و تمجید می‌کنند (Damon, 1983). در دوره نوجوانی نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوجوان، موردپسند واقع شدن است، که بیش‌ازپیش تحسین و تائید دوستان را مهم می‌سازد. این خشنودسازی دوستان و اتخاذ مواضع فکری مشترک، از موانع اصلی ابراز ایده‌های مخالف و متفاوت است.

(۲) **دوستی به‌مثابه احساس تعلق به گروه:** میل وافر کودکان و به‌ویژه نوجوانان به تعلق و پیوند با گروه هم‌سالان و همچنین رواج پدیده قلدری در مدارس، اصولاً ظرفیت پذیرش نقد در میان دوستان را به حداقل می‌رساند، و فرایند پیشرفت معرفتی حلقه کندوکاو را به دو طریق مختل می‌سازد: نخست، از طریق اعمال قدرت و قلدری فرد قوی‌تر، و دوم از طریق نادیده‌انگاری یا تحقیر افراد ضعیف‌تر. اگر افراد با میل شدید تعلق به گروه دوستان وارد حلقه‌های گفتگو شوند، و برحسب باور رایج، مخالفت با ایده‌ها را همسان مخالفت با فردیت و هویت شخصی تلقی کنند، ممکن است شیرازه روابط میان فردی از هم بپاشد، و یا منجر به رواج خشونت‌های عاطفی، کلامی، یا حتی جسمانی در حین و پس از گفتگوهای نقاد و خلاق شود. در حلقه‌های کندوکاوی که صرفاً بر پرسشگری، و نقادی استوار هستند، روابط مبتنی بر قدرت می‌تواند مسیر کاوشگری جمعی را مسدود کند، چراکه افراد قوی‌تر سعی می‌کنند بحث‌ها را در اختیار گرفته و بر ایده خود اصرار کنند و بر جریان فکری جمع تأثیر بگذارند (Yorshansky, 2007, P.19; Fearnley-Sandler, 1998, P. 28). در این-صورت، ممکن است سایر افراد موضع سکوت اختیار کنند، یا از روی اجبار یا احساس ضعف به موافقت با دوستان قدرتمند خود تن دهند.

(۳) **دریافت برچسب‌های نامطلوب هویتی توسط هم‌کلاسان:** علاوه بر قدرت‌نمایی برخی هم‌کلاسان، عوامل دیگری نیز در عدم مشارکت دانش‌آموزان در فرایند کندوکاو فلسفی دخیل هستند، عواملی مثل عدم توانایی در ارائه پاسخ صحیح به سؤال‌های دوستان، احساس عدم رضایت معلم از طرح

سؤال‌ها، عدم درک درست و کامل موضوع مورد بحث و شرم از بیان این حقیقت، ترس از احمقانه تلقی شدن سؤال‌ها یا نظرات بدیع و متفاوت توسط دوستان، و احساس عدم تمایل هم کلاسان به شنیدن ایده‌های آن‌ها (Johnston, 2006, P. 4). این احساس شرم و ترس، یا برجسب‌های پرچانگی و کودنی، در کلاس‌های سنتی نیز وجود دارد، اما میزان شیوع و شدت آسیب‌های ناشی از این برجسب‌های هویتی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بیشتر است؛ چرا که مطابق شیوه‌مآمی اندیشه سقراطی، پرسشگری و بحث نقادانه و ابراز ایده‌های مستقل، عناصر کلیدی ژرف‌اندیشی و حرکت در مسیر حقیقت‌یابی هستند، لذا تا زمانی که افراد از هیجان‌های منفی مانند شک از پذیرش، شرم یا ترس در رنج هستند، امکان مشارکت واقعی در گفتگوها به حداقل ممکن خواهد رسید. در حقیقت مهم‌ترین عامل رکود گفتگو میان هم کلاسان و توسل به محافظه‌کاری، نقصان دانش یا مهارت کلامی نیست، بلکه کمبود اعتماد میان فردی بین دوستان و هم کلاسان است.

۴) **عدم توجه یا پذیرش مسئولیت دوستانه متقابل برای رشد هم کلاسان:** مشکل دیگری که سبب مشارکت کم‌رنگ دوستان در مباحثه‌های انتقادی می‌شود، بی‌تفاوتی نسبت به روشنگری متقابل است. گاهی دیده می‌شود که دوستان متوجه دیدگاه اشتباه یا ناقص دوست خود هستند، اما خود را مسئول اصلاح این دیدگاه یا ارائه آگاهی‌های لازم نمی‌بینند، لذا از ارائه هر ایده بدیع یا متفاوتی خودداری می‌کنند، چون آن‌ها همواره در پی راضی‌نگه‌داشتن دوستان خود هستند، نه در پی رشد فکری آن‌ها (Pappano, 2004). این در حالی است که کندوکاو یک فعالیت اجتماعی و نیازمند احساس مسئولیت است، و از دانش‌آموزان می‌خواهد در کشف دیدگاه‌های یکدیگر شریک شوند (Naji, 2016, P. 157).

۵) **ابهام در ادراک فضیلت اخلاقی در دوستی:** احساس مسئولیت و حساسیت نسبت به فرایند خوداصلاحی همراه با مشارکت در رشد و بهبود دیدگاه‌های دوستان، نه تنها از منظر معرفت‌شناسی ضرورت دارد، بلکه نوعی رشد اخلاقی محسوب می‌شود که از رسالت‌ها و هدف‌های بنیادین نظام تعلیم و تربیت است (Johnston, 2006). از آنجاکه دوستی کامل به فضایل گره می‌خورد، پس پیش شرط آن کسب صلاحیت اخلاقی است، و استحصال این صلاحیت نیازمند تمرین و کمک متقابل دوستان، در فضایی امن و محترمانه، اما نقادانه است. با این حال، پابندی به فضایل اخلاقی نیز در دوستی با چالشی اساسی مواجه است: تعارض میان عشق به خود (عشق به ارزش‌ها و باورهای خود) یا عشق به دوست (بدون هیچ قید و شرطی). مسئله اساسی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی این

است که اگر افراد صرفاً با سرسپردگی به منظومه ارزش‌ها و باورهای شخصی وارد فضای نقد و گفتگو شوند، مفاهیمی مانند ارتباط اخلاقی و دگرآگاهی در این حلقه‌ها جایگاهی نخواهند داشت و اگر ارتباطات صرفاً بر اساس رعایت اخلاقیات و دگراندیشی باشد، چگونه می‌توان انتظار تجزیه و تحلیل و ارزیابی نظام ارزش‌ها و باورهای نسبتاً پایدار خود را داشت (Marshall et al, 2009). موانع فوق‌تر تنها در حلقه‌های کندوکاو بلکه در تمام گفتمان‌های انتقادی وجود دارد، و استقبال از این مباحثه‌ها و حتی پیشرفت سالم آن را با چالش جدی روبرو می‌سازد، به طوری که اغلب گفتگوها با منظرهای متفاوت، اغلب نه تنها دوستانه نبوده بلکه به جدل نیز منتهی می‌شود. به همین دلیل مبدعان و پیشگامان رویکرد تربیتی فبک، در کنار مهارت‌های تفکر نقاد و خلاق، پرورش مهارت فکری دیگری را که از ارزش‌ها و عواطف ریشه می‌گیرد، بسیار مهم و ضروری می‌دانند، مهارتی با عنوان «تفکر مراقبتی» که جهت کاهش تعارض‌های حاصل از تفکر صرفاً منطقی، امری ضروری است. طبق نظر متخصصان، این مهارت فکری برای ترویج و تقویت مهارت‌های فکری نقاد و خلاق، کاوشگری جمعی، پیشرفت معرفتی مباحث، و تحکیم روابط دوستانه، نقش حیاتی دارد (Sharp, 2014).

تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی، نوعی مهارت فکری اخلاقی، عاطفی، هنجاری و مبتنی بر ارج نهادن و مشارکت فعال در جامعه، همراه با درجاتی از دغدغه برای بسط و گسترش خیر همگانی است (Sharp, 2007, P. 249). طبق تعریف لیپمن، تفکر مراقبتی از پنج ویژگی، شامل تفکر مبتنی بر ارج نهادن (تفکر ارزشی)، هنجاری، عاطفی، فعال، و همدلانه، برخوردار است (Lipman, 2003, P. 271). تفکر مراقبتی کودکان را ترغیب می‌کند تا یک نظام ارزشی تأملی برپا کنند و از این طریق امور را مشفقانه و دغدغه‌مند قضاوت و داوری کنند (Marshall et al, 2009). این تفکر، مهارت پیوند زدن میان اندیشه و عاطفه (Fisher, 2013)، و نوعی ایمان و تعهد به قدرت تفکر برای کمک به حصول هدف‌های اخلاقی، بهبود امور، و خوداصلاحی (Sprod, 2001, P. 25) است. این اندیشه گرچه به‌طور رسمی در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، اما قدمت توجه به آن برای آحاد بشر، بسیار طولانی است و با تأمل در ادبیات غنی ایران‌زمین به خوبی می‌توان دریافت هر آن کس که اندیشه مراقبتی ندارد، از آدمیت، به معنای خاص آن به دور است.

1. Caring Thinking

نشاید که نامت نهاد آدمی

۲. تو کز محنت دیگران بی‌گمی

مفهوم مراقبت نه به عنوان مفهومی فردی، بلکه از منظری اجتماعی - آن چنان که در حلقه های کندو کاو فلسفی مورد نظر است - معطوف به احساس مسئولیت نسبت به کیفیت و دوام ارتباط و رشد مشترک است، به طوری که هم شکل فعالیت، هم موضوع و هم افراد دخیل در آن، برای فرد ارزش دارند. در اجتماعاتی که بر پایه اندیشه مراقبتی و حمایت متقابل استوارند، عناصری مانند اعتماد، همکاری، و هدف های مشترک همراه با پذیرش و احترام نسبت به تنوع و تفاوت های موجود در اولویت ارزشی هستند (Treffinger, 2014). این اجتماعات دارای ویژگی هایی مانند ارتباطات میان فردی قوی، در نظر گرفتن آرای تک تک افراد، ارزش های مشترک، وابستگی جمعی، و دخیل بودن اعضا در تصمیم گیری ها می باشند (Brahm and Bowling, 2009).

حلقه کندو کاو فلسفی، اجتماعی است که نه تنها سبب پرورش و تقویت مهارت تفکر مراقبتی می شود، بلکه به دلیل ترویج تفکر نقاد و منطقی، بقای آن نیز وابسته به حضور چنین تفکری است (Davey, 2004b, P.52) و اگر چه تمامی مهارت های فکری ارزشی برابر دارند، اما تفکر مراقبتی برای پایداری گفت و شنود دموکراتیک در حلقه های کندو کاو، امری حیاتی است (Sharp, 2004a, P. 248). گفت و شنود واقعی در این حلقه نیازمند نوعی تفکر متعهدانه^۱ و مسئولانه نسبت به فرایند کندو کاو و ارزیابی امور است (Sprod, 2001). بنابراین، در صورتی که افراد برای بیان ایده های متفاوت و یا حتی مخالف، یا طرح ایده های جدید احساس امنیت نکنند، یا نسبت به رشد فکری خود و دوستانشان چندان متعهد و مسئول نباشند، انگیزه کافی برای پیشرفت شناختی و ژرف اندیشی نیز وجود نخواهد داشت. اینجاست که دوستی های سطحی و یا میل به حفظ رابطه به هر قیمتی، ممکن است با فرایند کشف حقیقت، اصلاح باورها و قضاوت های نادرست، تفکر مستقل و ابراز آن، توجه به نقطه نظرات سایرین و همچنین علاقه به رشد مشترک، در تعارض قرار گیرد. در نتیجه ممکن است شاهد آن باشیم که دوستان از ابراز نظرات متفاوت حذر کنند، و به طور مداوم سعی در تأیید یکدیگر، به ویژه ستاره گروه داشته باشند؛ چرا که تصور می کنند اظهار نظرات نقاد یا متفاوت می تواند موجب اختلاف و تکدر خاطر دوستان و در نتیجه طرد آن ها شود.

با وجود باور به اهمیت تفکر مراقبتی و حتی تفکر عاطفی در میان افراد، متأسفانه برخی پیشگامان این برنامه، تفکر مراقبتی را صرفاً مراقبت از فرایند و ابزار تحقیق تلقی می کنند (Davey, 2012, P.143)، و حتی آن را مزاحم گفتگوی نقاد، و نوعی نازپروردن می دانند (Bernifie, 2008, P. 2)، اما از نظر شارپ حوزه های تفکر مراقبتی در حلقه کندو کاو فلسفی، ضمن آنکه دربرگیرنده توجه و اهمیت به ابزارهای کندو کاو، مسائل شایسته کندو کاو، و فرایند کندو کاو است، به همان میزان نیز متوجه و مراقب عواطف و ارزش های

1. Committed Thinking

2. Pampering

اعضا می‌باشد (Sharp, 2014, P. 20). در قیاس این دو نگرش متضاد، از یک منظر، مراقبتی‌اندیشیدن و توجه به ارزش‌هایی مانند دوستی برای حیات فرایند کندوکاو فلسفی مخرب تلقی می‌شود، به این دلیل که ممکن است مانع از نقدهای کوبنده شود؛ و از منظر دیگر، حلقه کندوکاو مبتنی بر تفکر مراقبتی، رویه‌ای در جهت تعمیق و تحکیم دوستی حقیقی و فضیلت‌مندانه انگاشته می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد بازتعریفی از مفهوم دوستی که مانعی برای رشد فکری متقابل دوستان نباشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر باشد.

بازتعریف دوستی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی

با وجود آنکه دوستی در تمامی فرهنگ‌ها در کانون زندگی افراد قرار دارد و در شکل‌گیری شخصیت نقش اساسی ایفا می‌کند (Helm, 2005, P.2)، اما همواره در طول تاریخ، عدم توافق قطعی روی معیارهایی که یک رابطه را دوستانه، و یک فرد را دوست واقعی می‌سازد وجود دارد (Allan, 1996). دلیل این وسعت معنایی را می‌توان کاربردهای مختلف دوستی در زندگی دانست که بر اساس میزان تعهد نسبت به رشد طرفین در این رابطه تبیین می‌شود. پیش از بازتعریف دوستی مراقبتی در حلقه کندوکاو لازم است دو پیش‌فرض را مدنظر قرار دهیم: نخست، مفهوم «دوستی حقیقی» به‌زعم کودکان و نوجوانان، نوعی رابطه فضیلت‌مندانه و مسئولانه است. دوم، نقد و مراقبت دو مفهوم متعامل و وابسته هستند که هیچ‌یک فارغ از دیگری ظهور و دوام نمی‌یابد.

مفهوم دوستی حقیقی به‌زعم کودکان و نوجوانان:

علاوه بر اینکه کودکان و نوجوانان دوستان خود را افرادی معرفی می‌کنند که به یکدیگر کمک نموده و آنچه را که دارند باهم به اشتراک می‌گذارند، و پیشرفت‌های یکدیگر را تحسین نموده و در شکست‌ها در کنار هم می‌مانند، و به یکدیگر اعتماد به نفس و امنیت برای ابراز خود می‌دهند، قابل اعتماد، رازدار، حمایتگر، کنجکاو و اهل کاوشگری مشترک هستند (Brendt, 1999)؛ اما از نظر آن‌ها «دوستی خوب»، دوستی توأم با کیفیت بالا است که در آن دوستان با کمک به ارتقای فکری و حمایت عاطفی برای کنار آمدن با چالش‌های زندگی سبب رشد یکدیگر در جهت دستیابی به ویژگی‌های خوب می‌شوند (Obiunu, 2015, P. 128). این کیفیت، الزاماً به معنای تائید قطعی و همواره یکدیگر نیست، بلکه اغلب کودکان قبول دارند که حتی بهترین دوستان هم گاهی باهم به تعارض برمی‌خورند و بهترین دوستی‌ها آن است که بعد از این تعارض، با رشدی در جهت صمیمیت و آگاهی بیشتر بین آن‌ها همراه باشد (Brendt, 2002, P.7). به نظر می‌رسد کودکان و نوجوانان به‌طور طبیعی ملاک‌های «دوست خوب» را چیزی فراتر از دوستی‌های سطحی و متمرکز بر رشد فکری و سوق به سمت فضیلت قرار می‌دهند.

تعامل مفهومی نقد و مراقبت

اگر مراقبت تنها به معنای پروای چیزی را داشتن^۱ (یا به چیزی اهمیت دادن) تلقی شود، ممکن است تصور شود تفکر مراقبتی افراد را ترغیب می کند تا در حلقه های کندوکاو کلاسی، صرفاً بر پایه ارتباط دوستانه و عاطفی که دارند (کسب رضایت یکدیگر)، نه بر اساس تفکر و تأمل روی باورها و ارزش های خود و سایرین، باهم تعامل و دیالوگی مشفقانه و حمایت گرانه داشته باشند. برای فرار از این دام، برخی تسهیلگران تفکر منطقی، با حذف تفکر مراقبتی، کودکان یا نوجوانان را در گفتگوی نقادی مشارکت می دهند که فاقد هرگونه مهربانی و ادراک عاطفی است؛ و متأسفانه این شیوه نیز به دامی برای کسب هویت مستقل و ابراز قدرت اعضا، بدون در نظر گرفتن ارزش های نهفته در ایده دیگری، و تخریب احساسات او بدل می شود، و حلقه کندوکاو را به مصافی جهت خرده گیری و عناد، به جای تفکر نقاد تبدیل می کند. درست شبیه برخی نظریه پردازان که تفکر مراقبتی را کم و بیش متضاد با تفکر انتقادی و مانع نقد جدی امور می دانند (Cowen, 2014) و نقدی را کارساز تلقی می کنند که درهم شکننده باشد و اتفاقاً در برخوردهای انتقادی، نقد را بدون در نظر داشتن مؤلفه های مراقبتی صحیح می دانند (Bernifie, 2008, P. 11).

اما حقیقت این است که تفکر انتقادی راهی برای رشد است نه تخریب، و شکلی از تفکر روش مند است که به بررسی دقیق یک حقیقت یا یک اصل می پردازد تا قضاوت و داوری مبتنی بر قدر و ارزش آن چیز را شکل دهد (Daniel and Auric, 2011) نه اینکه صرفاً در پی کشف و برجسته سازی اشکالات یک چیز باشد. نقد صحیح اصولاً نقدی است که به شیوه «نقد مراقبتی» مطرح شود. نقدی که نقطه آغاز آن، اشاره به نکات برجسته و ارزشمند هر چیز، و سپس تعیین آن چیزی باشد که شایسته تغییر است و نتیجه آن «صعودی سالم» است نه «سقوطی نرم» (Cooperrider and Srivastva, 1987; Hedayati, 2017b). نقادی نه تنها می بایست توأم با توجه به ارزشمندی های هر چیز صورت گیرد، بلکه خود دارای «ابعاد عاطفی» مانند قدرت تحلیل، کنجکاوی، خردمندی، روشنفکری، نظام مندی، حقیقت جویی، و بلوغ شناختی، است (Facione; Facione and Sanchez, 1994). بُعد عاطفی نقد نه تنها برای حفظ رابطه دوستانه و هم کلاسان، بلکه برای پایداری مباحثه های نقاد به جای جدل های شخصی، لازم و ضروری است.

با مشخص شدن ابعاد عاطفی تفکر نقاد، می توان گفت مهارت تفکر نقاد و مراقبتی چنان به هم مرتبط و آمیخته اند که نمی توان آن ها را به راحتی از هم تفکیک کرد. افرادی که اندیشه خود را مزین به مراقبت کرده اند، نسبت به دوستان خود احساس مسئولیت کرده و دغدغه اصلاح اندیشه خود و روشنگری دوستانشان

1. Caring for

را دارند، و متفکران نقاد به هدف اصیل نقد که روشن تر شدن ابعاد متفاوت یک امر می‌باشد، آگاه هستند و برای تحقق این هدف، ویرایش ایده‌ها را به تخریب هویت ترجیح می‌دهند.

دوستی مراقبتی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی

«مراقبت» دقیقاً نقطه مقابل بی‌تفاوتی و بی‌احساسی، و دارای کاربردهای متفاوتی است. این مفهوم از یک سو منبع دوستی، عشق، درک میان فردی، تعهد، حساسیت و شفقت انسانی (Sharp, 2014, P.19) و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای کندوکاو و جستجوی حقیقت برپایه ملاک‌های معتبر است (Davey, 2004). رشد فکری در حلقه‌های کندوکاو فلسفی نیازمند مشارکت در گفتگویی نقاد و خلاق است. برخی فیلسوفان معتقدند دوستی و جستجوی حقیقت به خوبی در کنار هم قرار نمی‌گیرند، چون حقیقت زنده است و بیان آن جذاب نیست، و گفتن حقیقت باعث می‌شود دشمنان ما بیشتر از دوستانمان باشند (Bernifie, 2008, P. 11). اما این در صورتی است که نقد را عاری از مراقبت سازیم و میان دوستی و بیان حقیقت یا علاقه به جستجوی حقیقت خط قرمز بکشیم و تنها یکی را برگزینیم. به همین خاطر نقد اغلب برای دوستان کار راحتی نیست، مگر آنکه دوستان نقد را نوعی فعالیت دوستانه تلقی کنند که به روشن شدن فضای ذهنی آن‌ها کمک می‌کند، و این تنها در صورتی ممکن است که تفکر فلسفی و شیوه نقادی توأم با مراقبت باشد.

حقیقت این است که نه تنها نیازی به حذف تفکر مراقبت برای پرورش تفکر انتقادی نیست، بلکه با استعانت از هر دو مولفه به خوبی می‌توان دوستی مراقبتی را در میان کاوشگران جوان گسترش داد. حتی سقراط که نقادی و بیان حقیقت را تلخ و دشوار می‌دانست، خود برای تمام افرادی که در جستجوی حقیقت بودند احترام قائل بود و با آنان با شکیبایی برخورد می‌کرد و هرگز به آنان با دیده حقارت نمی‌نگریست (Bernifie, 2008, P. 11). برخلاف افرادی که به قصد تخریب یکدیگر را نقد می‌کنند، دوستان نقاد، افراد قابل اعتمادی هستند که پرسش‌های تفکربرانگیز طرح می‌کنند، اطلاعاتی برای نگاه به موضوع از چشم‌انداز متفاوت تهیه می‌کنند، و ایده یا کار دوستشان را به عنوان یک دوست مورد نقد قرار می‌دهند (Costa and Kallick, 1993, P.50). در ادامه، به برخی تمایزهای دوستی‌های مراقبتی از دوستی‌های رایج اشاره می‌شود.

۱) تمایل به رشد متقابل به جای تائید برای پذیرش: در گفتگوی نقادانه‌ای که توأم با تفکر مراقبتی باشد، ارائه نظرات متفاوت و یا مخالفت با آرای یکدیگر نه تنها رفتاری غیردوستانه و مسبب رنجش نیست، بلکه نوعی همیاری فکورانه و هدیه دوستانه در مسیر درک بهتر حقیقت است، که با اشتیاق استقبال می‌شود. در این نوع دوستی، به همان اندازه که رشد فکری اهمیت دارد، عواطف و حرمت اشخاص

نیز مورد نظر قرار می گیرد. به همین دلیل به زعم بوهم، دوستی ها بعد از مشارکت در دیالوگ های تأملی، قوی تر می شوند؛ چراکه ارتباطات اولیه آن ها تحت بررسی ارزش ها و مفروض ها قرار می - گیرد (Davey, 2012, P. 65).

۲) استقرار تمامی جنبه های تفکر مراقبتی به جای صرفاً تفکر عاطفی در دوستی های مراقبتی: مفهوم مراقبت در دوستی مراقبتی صرفاً «پروای کسی یا چیزی را داشتن» نیست، بلکه علاوه بر آن «با یکدیگر دغدغه چیزی را داشتن»^۱ و «به فکر چیزی بودن»^۲ نیز هست (Sprod, 2001; Davey, 2007). دوستان مراقبتی حین مشارکت در دیالوگ های فلسفی، ضمن علاقه به دوستان خود و در نظر گرفتن احساسات و عزت نفس آن ها در حلقه (بعد عاطفی)، برای رشد متقابل، کشف ایده های بدیع، و گفتگوی نقاد محترمانه نیز ارزش قائل بوده و مشارکت فعال در گفتگوها را تحسین می کنند (بعد مبتنی بر ارج گذاری و سپاس)، تمام تلاش خود را برای درک کامل تر دیدگاه متفاوت دوستان به کار می گیرند و تلاش می کنند فهم بهتری از دنیای شناختی و هیجانی دوستان خود به دست آورند (بعد همدلانه)، و برای این امر مشتاقانه در بحث ها شرکت می کنند و تا جایی که گفتگو آن ها را هدایت می کند فعالانه پیش می روند (بعد فعال)، و تمام این کارها را برای پر کردن شکاف بین آن چیزی که در حال حاضر هست و آن چیزی که می تواند باشد تا جهان را جای بهتری برای زیستن کند (تفکر هنجاری) انجام می دهند. براین اساس، دوستان مراقبتی تمامی مؤلفه های تفکر مراقبتی را در همه حوزه های حلقه کندوکاو فلسفی به کار می گیرند، تا هم از تخریب روابط میان فردی و هم رکود فرایند کندوکاو تأملی و انتقادی پیشگیری می کند.

برخی ویژگی های دوستان مراقبتی در حوزه های مختلف حلقه کندوکاو را می توان این گونه

توصیف کرد:

- مراقبت از فرایند تحقیق
- ✓ ارزش نهادن به اصل تحقیق مشارکتی و احساس نیاز به حضور دوستان برای پیشرفت در مسیر حقیقت جویی
- ✓ علاقه به مباحثه های نقادانه با دوستان
- ✓ مشارکت فعال در مباحثه ها و ابراز نظر نسبت به ایده های دوستان
- ✓ تلاش برای درک دیدگاه دوستان

1. Caring with
2. Caring about

- ✓ توجه به مسیر پیشرفت معرفتی مباحثه‌ها به جای گفتگوی دوستانه
 - ✓ ایجاد امنیت روانی برای ابراز ایده‌های دوستان و حذر از تحقیر یا پرخاشگری
 - **مراقبت از ابزارهای تحقیق**
 - ✓ ارزش نهادن به ابزارهای فلسفی مانند پرسشگری و دیالوگ
 - ✓ علاقه به تفکر تأملی و مباحثه‌های انتقادی و انتخاب دوستانی با علاقه مشترک به حقیقت‌جویی
 - ✓ بهره‌جویی فعالانه از ابزارهای فلسفی برای تصریح موضوع‌ها
 - ✓ داوری ایده‌ها بر اساس ملاک‌های معتبر در حین مباحثه‌ها و پذیرش دوستان فارغ از ایده‌های مطروحه
 - **توجه به مسائل شایسته تحقیق**
 - ✓ تأمل روی ارزش‌های خود و دوستان
 - ✓ بررسی چستی و چرایی مواضع عاطفی خود و دوستان نسبت به موضوع‌های خاص
 - ✓ انتخاب موضوع‌هایی برای بحث که به بهبود وضعیت فعلی کمک می‌کند و دغدغه مشترک اعضا می‌باشد به جای طرح موضوع‌های شخصی
 - ✓ طرح پرسش‌های فلسفی و فاقد پاسخ‌های از پیش متعین به جای پرسش‌های علمی یا روانشناختی و غیره
 - **توجه به شرکای پژوهش**
 - ✓ شناخت مبانی ارزشی دوستان برای درک بهتر رفتار و مواضع فکری آنان
 - ✓ تلاش برای درک عواطف و افکار دوستان و همدلی با آنان
 - ✓ علاقه به رشد فکری دوستان در کنار خوداصلاحی
 - ✓ احترام به تفاوت‌ها در ابراز عقاید و پذیرش دوستان به خاطر «دیگربودگی»
- (۳) **استقرار دوستی حقیقی به عنوان یک فضیلت:** استقرار پدیده دوستی بر مبنای تفکر مراقبتی به تعاریف ارسطو و افلاطون از دوستی حقیقی بسیار نزدیک است. ارسطو در اخلاق نیکوماخوسی دوستی را در سطح اندیشه سیاسی، حافظ دولت‌ها می‌داند (Marsal et al, 2009). منظور او از دوستی، صرفاً سرسپردگی به علایق مشترک نیست بلکه پیوند عمیق با نیکی و فضیلت است (Alavipour, 2010). از نظر ارسطو، دوستی یا فضیلت است یا بافضیلت توأم است، و تنها در پرتو چنین دوستی امکان زندگی شادمانه میسر خواهد بود. دوستانی که فضایل موردنیاز دوست خود را می‌دانند، اما حاضر نیستند برای رسیدن به این فضایل به او کمک کنند، دوست واقعی به حساب نمی‌آیند. به طور کلی،

ارسطو سه هدف را برای دوستی قائل می‌شود: خوبی، مطبوع بودن و سطح والای دوستی که جستجوی مشترک فضیلت است (Aristotle, 2011). افلاطون نیز در سه رسالهٔ «لیسیس»^۱ (یا دوستی^۲)، «ضیافت»^۳ و «فایدروس»^۴ علاوه بر مفهوم عشق، به مقوله دوستی توجه خاص نشان داده است. در رسالهٔ لیسیس، افلاطون اهمیت «دوستی» را برابر با اهمیت چیزهای بسیار موردعلاقه می‌داند که ویژگی مهم آن «کارایی»^۵ است. برای او، چیز به‌دردبخور و کارا، چیزی است که فرد را به‌سوی کمال رهنمون کند، و او را هر چه بیشتر به آنچه باید باشد، نزدیک سازد. از منظر افلاطون نیز دوستی حقیقی، جستجوی مشترکی برای آگاهی است تا جایی که حقیقت به دست آید. این بدان معناست که در دوستی حقیقی صرفاً داشتن فهم مشترک و توافق آراء ارزش محسوب نمی‌شود، بلکه تفاوت آرائی که به بحث و تحقیق گذاشته شود و رشد طرفین را به دنبال داشته باشد از ارزشی والاتر برخوردار است (Nichols, 2006). براین اساس، می‌توان گفت بده‌بستان‌های فکری در حلقه‌های گفتگو محور فلسفی، یک نوع ارتباط مراقبتی دوجانبه برای تبادل فضیلت است که به شکل اهدای یک تحفهٔ دوستانه برای گسترش افق دید دوست، ارائه می‌شود. لذا، مشخص می‌شود که مفهوم دوستی در رویکرد تربیتی فلسفه برای کودکان، چیزی فراتر و مؤثرتر از آن چیزی است که در ادبیات رایج، به‌ویژه رویکردهای روان‌شناختی به دوستی‌های صمیمانه نسبت داده می‌شود. دوستی در این رویکرد از نوع فضیلت‌مندانه و دارای نگرشی مراقبتی و مضمونی رشدی و تربیتی است (Noddings, 1984).

۴) **عدم تقلیل‌گرایی رویکرد تربیتی فبک به رویه پرورش تفکر نقاد:** دیوی با تأکید بر اینکه پیشرفت معرفتی در حلقه کندوکاو بیش از آنکه نیازمند دوستی‌های سطحی باشد، مستلزم مراقبت از فرایند کندوکاو است، لذا برای خروج از تعارض‌ها و ابهام‌ها معتقد است در حلقه کندوکاو به‌جای مراقبت از دوستی‌ها، به پرورش فضیلت مراقبت از کاوشگری جمعی پردازیم؛ این فضیلت را توصیف بهتری از ارتباطات و مشارکت اعضا در حلقه‌های کندوکاو فلسفی می‌داند (Davey, 2004b, PP.39-41). منظور از فضیلت مراقبت در حلقه کندوکاو، به‌زعم دیوی به معنای «با یکدیگر دغدغهٔ حقیقت‌یابی را داشتن» است (Davey, 2012, P.131) نه از یکدیگر مراقبت عاطفی نمودن. در این دیدگاه رسالت

-
1. Lysis
 2. On Friendship
 3. Symposium
 4. Phaedrus
 5. Usefulness

رویکرد فبک، صرفاً به حرکت در مسیر حقیقت‌یابی و کندوکاو فکری تقلیل داده‌شده، حال آنکه مبدع برنامه به‌صراحت هدف این رویکرد تربیتی را علاوه بر پرورش مهارت‌های فکری سطح بالا و بهبود توانایی تعقل و خلاقیت، رشد فردی و میان‌فردی و رشد اخلاقی نیز ذکر می‌کند (Lipman et al., 1980, P.53). به همین دلیل کودکانی که صرفاً داستان‌های فلسفی می‌خوانند یا مهارت‌های فلسفی را می‌آموزند، و از فرصت مشارکت در گفتگو با معلمان و هم‌کلاسان محروم هستند، بسیاری از موهبت‌های حضور در حلقه کندوکاو مانند افزایش آگاهی و حساسیت نسبت به علایق، باورها و ارزش‌های خود و دیگری، قدرت داوری درباره افراد بر مبنای ملاک معتبر، کشف امکان بی‌طرفی، جامعیت فکری و بسیاری از هدف‌های دیگر برنامه فبک را از دست خواهند داد (Ghaedi, 2016, PP.73-74). لذا برخلاف نگاه کاملاً پژوهش‌محورانه دیوی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی، هدف‌های این رویه تربیتی، بدون گفتگوی تأملی و جمعی روی ارزش‌ها و هنجارها در بافتاری مراقبتی قابل استحصال نیست.

۵) احترام به تفاوت‌ها در دوستی مراقبتی: دوستی مراقبتی در حلقه کندوکاو نیازمند اصل اشتراک عقاید در میان دوستان نیست، زیرا دوستان مراقبتی به دنبال تشابه سطحی منافع و دیدگاه‌ها نیستند، بلکه به قول ارسطو در پی «درونی‌سازی مجدانه اصل برابری نفوس» و عشق به دوست به‌خاطر خود او هستند. در سایه باور به این اصل، دوستان می‌توانند حسن نیت خود را برای یک رابطه همدلانه و سازنده نشان دهند. چیدمان دایره مانند کلاس، ایجاد مجال برای بیان ایده‌های تمامی افراد، توزیع برابر وقت، عدم حاکمیت ایده معلم، عدم تحقیر یا تمسخر عقاید، و بسیاری از قواعد دیگر در حلقه کندوکاو فلسفی حاکی از اعتقاد به برابری اصل عقلانیت و ارزش تمامی افراد است، که بتدریج در اذهان کودکان نیز نهادینه می‌شود. این برابری، به معنای یگانگی یا یکسانی زاویه دید یا توان فکری دو دوست، حتی در صمیمی‌ترین حالات نیست، چراکه دوست، «دیگری» است، باین حال قابل درک، احترام، و بالنده است، و اتفاقاً به خاطر نقطه نظرات متفاوت و دیدگاه خاص‌اش، برای ما جذاب و مورد توجه است. برخلاف نگرش سنتی و کلاسیک به دوستی که مبتنی بر خودشیفتگی و متمرکز بر «مشابهت» گمراه‌کننده میان دوستان است، دوستی حقیقی بدون شک برقراری رابطه با کسی است که «من» نیست و تفاوت او با من، شرط لازم و پرهیز ناپذیر دوستی است (Alavipour, 2010). درک بهتر این امر به مفهوم اجتماع در رویکرد تربیتی فبک و تفاوت آن با جامعه بازمی‌گردد، چراکه در اجتماع برخلاف جامعه درعین برخی وجوه اشتراک در هدف‌ها، تصمیم‌ها و قراردادهای ما بین اعضا،

تفاوت‌های بسیاری نیز در علایق و باورهای آن‌ها دیده می‌شود، که همین تفاوت‌ها پویایی اجتماع را دامن می‌زند (Ghaedi, 2016, P.74). لذا ممکن است آن‌ها در خصوصیاتى مانند میل به پژوهش، پرسشگری، دیالوگ و ژرف‌اندیشی مشترک باشند، اما دارای درک و تفسیر متفاوتی از حقیقت هستند که با پذیرش غیرمشروط و محترمانه یکدیگر می‌توانند ظرفیت ابراز این منظرهای مختلف را برای یکدیگر فراهم کنند. در حقیقت استحکام دوستی مراقبتی منوط به مبادلهٔ متاع فکری، همراه با روشنگری محترمانه و پذیرش مشفقانه تفاوت‌ها، و دغدغهٔ رشد فکری جمعی می‌باشد که نزد دوستان متفاوت‌شان (دیگری) به ودیعه است.

نقش تسهیلگران در تغییر رویکردهای سنتی تعلیم و تربیت جهت ترویج دوستی مراقبتی

لازمهٔ پیشرفت معرفتی مباحثات در حلقه‌های کندوکاو، دوستی مراقبتی است، و شرط شکل‌گیری دوستی مراقبتی رویه‌های تربیتی مبتنی بر دموکراسی و ژرف‌اندیشی می‌باشد. لذا لازم است تسهیلگران ژرفا و ضرورت تغییر مفهوم دوستی از نوع سطحی به نوع فضیلمندانه یا مراقبتی را برای رشد فکری و بالندگی شخصیتی بخوبی برای کودکان شفاف و اجرا کنند. جهت آشنایی کودکان با این سطح از دوستی نیازی به آموزش مستقیم نیست، کافی است برای اعضا مشخص شود که در حین فرایند عمیق و جدی ارزیابی ایده‌ها و جستجوی حقیقت یا معنایابی، با اندیشه‌ای مراقبتی همواره می‌توانند دغدغه روشن نمودن ابعاد تاریک ذهن خود و دوستانشان را درخصوص حقیقت امور، محترمانه و مشفقانه حفظ کنند. نمی‌توان از کودکان انتظار داوری اجتماعی معتبر بدون آنکه «خود فرافردی» آن‌ها را پرورش دهیم، و چنین خرد و ادراکی تنها از طریق گفتگوی فلسفی در فضایی امن میسر است (Ghaedi, 2016, P.74). بنابراین در حلقه کندوکاو نقش تسهیلگر در برقراری فضای دوستانه مراقبتی بسیار حیاتی است تا برخلاف رویکردهای تربیتی فردگرا که مروج رقابت هستند، کودکان دریابند توانایی‌های هر عضو سبب تقویت توان کلیه اعضا می‌شود، و فعالیت فکری و عاطفی هر یک از دوستان به رشد فکری همگان کمک می‌کند. تسهیلگر هوشمند در طول مباحثه‌ها و همچنین فضاهای خارج از حلقه کندوکاو به دانش آموزان کمک می‌کند با حفظ و تعمیق روابط، اجرای بازی-های جمعی، فعالیت‌های درسی مشترک، عدم سوگیری غیرمنطقی نسبت به یکدیگر، و حمایت عاطفی بجا و مناسب متوجه شوند که عدم توافق‌ها به عنوان تسهیل‌کننده‌ای برای تقویت گفت‌وگو و شنود نگریسته می‌شود، و انتقادات صرفاً متوجه ایده‌هاست و به تمامیت فردی آن‌ها مربوط نمی‌شود (Davey, 2012, P.130) و آن‌ها می‌توانند با وجود اختلاف نظر روی برخی حیطه‌های موضوعی، همچنان دوستان ارزشمندی برای یکدیگر باشند.

دوستی مراقبتی، دوستی مسئولانه و قابل اعتماد

بر اساس آنچه تاکنون ذکر شد، دوستی در حلقه کندوکاو، از نوع دوستی با تمام ویژگی‌ها و حوزه‌های تحت پوشش تفکر مراقبتی است. دوستی حقیقی یا دوستی مراقبتی مستلزم حضور دو یا چند نفر است که ارزش‌ها و هدف‌های مشترکی دارند، و برای رسیدن به هدف‌های خویش از هیچ کمکی به یکدیگر فروگذار نمی‌کنند (Snyder and Smith, 1986). دوستی‌های مراقبتی، دوستی‌های مسئولانه و قابل اعتمادی هستند که در آن دوستان با نقد و بررسی نقطه نظرها، به ایده‌های قوی‌تر و قابل اعتمادتری می‌رسند. منظور از اعتماد در حلقه‌های کندوکاو فلسفی، تا اندازه‌ای با مفهوم اعتماد در دوستی‌های رایج متفاوت است. اعتماد در دوستی‌های معمول اصولاً بنا به دلایلی مانند رازداری، وفاداری، دل‌نگران سلامت و آسایش هم بودن و چیزهایی از این قبیل است، اما اعتماد در میان دوستان مراقبتی، علاوه بر این موارد، اصولاً اعتماد به دوستان برای کمک‌های فکری و همکاری در روشن نمودن ابعاد مغفول موضوع‌های زندگی، از طریق بیان محترمانه منظرهای متفاوت و ارزیابی ایده‌های موجود است. البته تاکید بر دوستی مراقبتی به معنای کم‌ارزش جلوه‌دادن دوستی‌های حمایت‌گرانه و صمیمانه در سنین اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان نیست، بلکه اگر در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بتوان نوعی از دوستی را بین افراد پدید آورد که بر مبنای تفکر مراقبتی بنیان نهاده شود، به تعریف عمیق‌تری از دوستی میان همسالان، و در نهایت میان افراد جامعه دست خواهیم یافت که بر مبنای احترام به تفاوت‌ها و درک یکدیگر، دغدغه کمک به رشد فکری همدیگر و همچنین علاوه بر منطق، مبتنی بر عواطف و ارزش‌ها است.

نتیجه

ماهیت اجتماعی و ماهیت پژوهشی معرفت در حلقه کندوکاو، پیشرفت معرفتی کودکان حاضر در برنامه فبک را وام‌دار مشارکت تمامی افراد در گفت‌وگویی انتقادی و خلاق می‌سازد که همواره معطوف به ایده مطرح شده است، نه تمامیت افراد. لذا برای آنکه کودکان در مهارت نقد و خلق ماهر شوند، و جسارت بیان ایده‌های بدیع و متفاوت خود را پیدا کنند، باید ویژگی‌هایی مانند اعتماد و احترام متقابل، تعهد به فرایند کندوکاو، تفکر روشن و باز، دغدغه نسبت به رشد یکدیگر، ارزش نهادن به تفکر مشارکتی در عین استقلال فکری، و احساس امنیت در قبال آزاداندیشی بر فضای این حلقه حاکم باشد، و مفهوم دوستی به مثابه امر مراقبتی بازتعریف شود. قرار نیست کودکانی که در حلقه‌های کندوکاو فلسفی شرکت می‌کنند، الزاماً رابطه خود را به علاقه و تعهد مشترک به گفت‌و شنود نقاد و مخالفت با آراء و نظرات یکدیگر محدود کنند (آن‌گونه که مورد نظر ناقدان تفکر مراقبتی برای گفتگوهای فلسفی است)؛ بلکه آن‌ها به مرور یاد می‌گیرند

دوستان خود را به‌ویژه آنهایی که به هر دلیل بیشتر مورد محبت و علاقه می‌دانند، از آراء و نظرات اندیشمندانه خود محروم نسازند و نه تنها با بهره‌جویی از تکنیک‌های زبانی، بلکه از طریق فهم نقادی به معنای نگاه کردن به یک پدیده از زوایای متفاوت، از میزان تلخی نقادی‌ها و تبدیل آن به خرده‌گیری و تحقیر بکاهند.

در ترویج و شکل‌دهی مفهوم دوستی مراقبتی میان کودکان و نوجوانان، تسهیلگر نقش اساسی را ایفا می‌کند. تسهیلگران باید ضمن ترویج مهارت‌های تفکر فلسفی، به هر چهار حوزه از تفکر مراقبتی که پیش‌تر ذکر شد توجه نشان دهند، و حلقه را صرفاً به فضایی برای پرورش تفکر منطقی، یا آموزش استدلال، یا گفتگوهای دوستانه، یا هر هدف تک‌بعدی دیگر تقلیل ندهند. تسهیلگران حلقه‌های کندوکاو باید ترتیبی دهند تا کودکان بدون ترس از اظهارنظر، خجالت یا حقارت، پرسش‌های خود را مطرح نموده و نظرات خویش را به دوستان ابراز کنند (Parvinian et al., 2016, P. 43) و به شیوه‌ای مراقبتی، سبکی از ارتباط مسئولانه، مشفقانه و محترمانه را که منجر به سلامت عاطفی در کنار رشد فکری می‌شود با دوستان خود پایه‌گذاری کنند.

برای پرورش دوستی مراقبتی و تعمیق دوستی حقیقی میان کودکان و نوجوانان نیازی نیست که به آن‌ها درس یا دستورالعمل یا جزوه خاصی ارائه دهیم، بلکه تسهیلگر هوشمند مترصد فرصت‌های مناسب برای عطف توجه اعضا به هر پنج عنصر تفکر مراقبتی در چهار حوزه حلقه کندوکاو است، و برای تحقق این امر از برانگیزاننده بحث مانند داستان‌ها کمک می‌گیرد تا کودکان را به تأمل روی عناصر تفکر مراقبتی، از قبیل درک دنیای فکری و احساسی دیگری، شناخت چیستی و چرایی نظام ارزشی و عاطفی خود و دیگری، شناخت موضع‌گیری‌های فکری و رفتاری سایرین، هنجارها و اخلاقیات، و به‌ویژه برنامه‌ها و نمودهای رفتاری دوستان وادارد. اما از همه اینها مهم‌تر الگویی از دوستی مراقبتی و مسئولانه است که تسهیلگر به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد. او نشان می‌دهد دغدغه رشد فکری تمامی اعضای گروه را دارد و برای شنیدن نظرات تک‌تک آن‌ها مشتاق است و صرفاً به دانش‌آموز خاصی بها نمی‌دهد، و خود را در قبال غنا و پیشرفت مباحثه‌ها، و کشف ابعاد ناشناخته موضوعات مسئول می‌داند. او با هر روش مناسبی به کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد دوستی در حلقه کندوکاو، مستلزم ارج نهادن به تفاوت‌های میان‌فردی و احترام به «دیگری» است، و جلوی هر نوع تحقیر و توهین به بهانه نقادی را مسدود می‌کند. تسهیلگر مجرب به اعضا نشان می‌دهد هر گونه نادیده‌انگاری یا سوگیری، یا خرده‌گیری روند بحث‌های منطقی را مخدوش می‌سازد، و به همان میزان نیز حساسیت به نقد و عدم پذیرش انتقادهای مستدل، یا ترس از ابراز نظرهای بدیع و متفاوت، مانع رشد فکری تمامی اعضا می‌شود. او به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که آن‌ها همانند اعضای یک خانواده

به یکدیگر پیوند خورده‌اند، و نه صرفاً در اجتماع کلاسی بلکه در سطح جامعه کلان، رشد هر فرد منوط به رشد سایرین است. لذا اعضا می‌بایست خود را در قبال رشد فکری یکدیگر مسئول بدانند. آن‌ها ممکن است روی یک موضوع باهم اختلاف نظر داشته باشند، اما به واسطه اشتراکات بسیار دیگر می‌توانند تعاملات دوستانه خود را حفظ کنند. با این نگاه روابط دوستانه پس از بیان آرای مخالف و یا متفاوت دوستان با یکدیگر، نه تنها از هم نمی‌گسلد، بلکه به واسطه لذت حاصل از فهم و شناخت وجهی از موضوع‌های زندگی که توسط شخص مغفول بوده، و خوداصلاحی پس از آن، مستحکم‌تر نیز می‌شود و البته شرط اساسی چنین ارتباطی، تعامل دوسویه، مباحثه‌های استدلالی قوی، و مدیریت هیجان طی مباحثات می‌باشد. بدان معنا که در حلقه‌های کندوکاو کلیه افراد می‌بایست آماده پذیرش نقدهای مراقبتی باشند و افراد متعصب، پرخاشگر یا زودرنج نمی‌توانند از مواهب این اجتماع کاوشگر بهره ببرند. با این توصیف مشخص می‌شود بسط و تغییر باور دانش‌آموزان نسبت به پدیده دوستی ضرورتی انکارناپذیر، و از رسالت‌های حیاتی تسهیلگر برای سلامت روان و بالندگی فکری آن‌ها در حلقه‌های کندوکاو است.

References

- Adams, R. E; Santo, J. B. & Bukowski, W. M. (2011). The presence of a best friend buffers the effects of negative experiences. *Developmental Psychology*, 47(6), 1786- 1791.
- Alavipour, S.M. (2010). The Relation between Self and Political Power in St. Augustines Thought. *Research in Theoretical Politics*, 5(10), 47-76. (In Persian)
- Allan, G. (1996). *Kinship and Friendship in Modern Britain*. Oxford: Oxford University Press.
- Aristotle (2011). *Nicomachean ethics* (2nd Ed.). (M.H. Lotfi e Tabrizi, Trans). Tehran: Kharazmi Pub. (In Persian)
- Badhar, N. (1993). *Friendship: A Philosophical Reader*. New York: Cornell University Press.
- Bellah, R. N. (2004). Education for justice and the common good. *Conversations on Jesuit Higher Education*, 25(2), 28-37.
- Brendt, T.J. (1999). Friends' influence on students' adjustment to school. *Educational Psychologist*. 34, 15-28.
- Brahm, B. A., & Bowling, C. J. (2009). *Family and Consumer Sciences fact sheet: Building caring communities to support families*. Columbus, OH: Ohio State University Extension.
- Brendt, T.J. (2002). Friendship Quality and Social Development. *Current Directions in Psychological Science*, 11(1), 7-10.
- Campell, K., Holderness, N. & Riggs, M. (2015). Friendship chemistry: An examination of underlying factors. *The Social Science Journal*, 52, 239-247.
- Cooperrider, D. L. & Srivastva, S. (1987). Appreciative Inquiry in Organizational Life. *Research in Organizational Change and Development*, 1, 129-169.
- Costa, A. & Kallick, B. (1993). Through the lens of a critical friend. *Educational leadership*, 51(2), 49-51.

- Cowen, J. (2014). Noteworthy matters for attention in reflective journal writing. *Active Learning in Higher Education*, 15(1).
- Damon, W. (1983). *Social & Personality Development*. New York: Norton & Company.
- Daniel, M. & Auric, E. (2011). Philosophy, critical thinking and philosophy for children. *Educational Philosophy and Theory*, 43(5), 415-435.
- Davey, S. (2004a). Creative, critical, and caring engagement— philosophy through inquiry. Retrieved from: <http://www.inter-disciplinary.net/ati/education/cp/ce2/Davey%20paper.pdf>
- Davey, S. (2004b). Consensus, Caring and Community: An Inquiry into Dialogue. *Analytic Teaching*, 25(1), 18-51.
- Davey, S. (2012). *The Socratic Classroom: Reflective Thinking through Collaborative Thinking*. Rotterdam: Sense Publishers.
- DeSousa, D. A. & Cerqueira-Santos, E. (2012). Intimate Friendship Relationships among Young Adults. *Psicologia: Teoria e Pesquisa*, 22(53), 325-333.
- Facione, N. C., Facione, P. A., & Sanchez, C. A. (1994). Critical thinking disposition as a measure of competent clinical judgment: The development of the California critical thinking disposition inventory. *Journal of Nursing Education*, 33, 345-350.
- Fisher (2013) *Teaching Thinking: Philosophical Enquiry in the Classroom*. London: Bloomsbury.
- Fearnley-Sander, M. (1998). Care and the Force of the Argument in Respecting Difference. *Thinking: The Journal of Philosophy for Children*, 14(1), 24-28.
- Ghaedi, Y. (2016). *The basical Theory of Philosophy for Children*. Tehran: Meraat Pub. (In Persian)
- Gutiérrez-Santiuste, E., Rodríguez-Sabiote, C.; Gallego-Arrufat, M.J. (2015). Cognitive presence through social and teaching presence in communities of inquiry: A correlational-predictive study. *Australasian Journal of Educational Technology*, 31(3), 349-362.
- Hartley-Brewer, E. (2009). *Making Sense of Your Child's Friendships*. Piccadilly Press.
- Hedayati, M. (2017a). *Trust to Children*. Tehran: IHCS. (In Persian).
- Hedayati, M. (2017b). A Healthy Climbing: The Critical Care Approach. *Journal of Critical Literature and Humanities*, 17(7), 235-252. (In Persian).
- Hejazi, E. & Zohrevand, Z. (2001). The survey of friendship Criteria and Qualities in Child and Adolescence Girls. *Journal of Psychology and Education*, 6(1), 1-20. (In Persian)
- Helm, B. (2005). Friendship. In Zalta, E. N. (Ed.). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. <http://plato.stanford.edu/>.
- Johnston, D. K. (2006). *Education for a caring society: classroom relationships and moral action*. Teachers College, Columbia University.
- Kennedy, D. (2012). Lipman, Dewey, and the Community of Philosophical Inquiry. *Education & Culture*, 28(2), 36-53.
- Kizel, A. (2017). Philosophical communities of inquiry: the search for and finding of meaning as the basis for developing a sense of responsibility. *Childhood & Philosophy*, 13(26), 87-103.
- Leszczensky, L.; Pink, S. & Kalter, F. (2015). *Friendship and Identity in School*. University Mannheim.
- Lipman, M. (2003) *Thinking in Education (Second Edition)*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Lipman, M.; Sharp, A. M. and Oscanyan, F. S. (1980) *Philosophy in the Classroom*. Philadelphia: Temple University Press.
- Lipman, M., Sharp, A. M. (2015). *Ethical Inquiry: Instructional manual to accompany Lisa*. 2nd Ed. (R. Karimi, Trans). Tehran: IHCS. (In Persian).
- Marsal, E.; Dobashi, T.; Weber, B. (Eds.). (2009). *Children Philosophize Worldwide: Theoretical and Practical Concepts*. Peter Lang: Internationaler Verlag.
- Maraashi, M., Ghaedi, Y. (2015). *Community of Inquiry: Basics and Functions*. Tehran: IHCS. (In Persian).
- Naji, S. (2016). *Philosophical Inquiry for Children*. Vol.2. Tehran: IHCS. (In Persian).
- Noddings, N. (1984). *Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education*. Berkeley: University of California Press.
- Nichols, M. P. (2006). Friendship and Community in Plato's "Lysis". *The Review of Politics*, 68(1), 1-19.
- Obiunu, J.J. (2015). Relationship between Parents and Peer Influences on Qualities of Adolescent Friendship. *Journal of Education and Practice*, 6(8), 128-133.
- Pappano, L. (2004). *Offering aid to parents*. Boston Globe.
- Parvinian, M., Rahimzade, L., Tajbakhsh, F. & Talegani, L. (2016). A discussion plan for the management of the "Philosophy and Child" classes. Tehran: Sadra Pub. (In Persian).
- Radji, M. (2016). *An Inquiry into the Theoretical-Educational Foundations and Origins of Philosophy for Children*. Tehran: IHCS. (In Persian).
- Roumer, L. (1994). *The Changing Face of Friendship*. Notre Dame, Indiana: University of Notre Dame Press.
- Schertz, M. (2006). Empathic Pedagogy: Community of Inquiry and the Development of Empathy. *Analytic Teaching*, 26 (1), 8-14.
- Selman, R. L. (2007). Promotion of social awareness: powerful lessons from the partnership of developmental theory and classroom practice. New York: Russell Sage.
- Sharp, A. (2007). Education of the Emotions in the Classroom Community of Inquiry. *Gifted Education International*, 22(2), 248-257
- Sharp, A. M. (2014). The other dimension of caring thinking. *Journal of Philosophy in School*, 1(1).
- Snyder, M., & Smith, D. (1986). Personality and Friendship. In Derlega & Winstead (Eds.), *Friendship and Social Interaction* (pp. 63-80). New York: Springer-Verlag.
- Sprod, T. (2001). *Philosophical Discussion in Moral Education: The community of ethical inquiry*. London and New York: Routledge.
- Treffinger, D. J. (2014). *The Role of Creativity and Problem Solving in Building and Sustaining Caring Communities*. Waco, TX: Prufrock Press.
- Turgeon, W. C. (2012). The Place of 'Philosophy' in Preparing Teachers to Teach Pre-College Philosophy: Notes for a conversation. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 32(2), 68-74.
- Yorshansky, M. (2007). Democratic Education and the Concept of Power, Critical and Creative Thinking. *The Australian Journal of Philosophy in Education*, 15(1), 15-35.